

# تحلیل یکپارچه میدان‌های جنگ همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ

عباس خسروی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

## چکیده

در این مقاله بسته جامع تهدیدها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از دو نگاه کارآیی تهدید و اهمیت تهدید مورد تحلیل قرار گرفته است. بدخواهان این سرزمین سال‌هاست با رویکردی همه‌جانبه تهدیدهای گوناگونی را علیه این نظام و این سرزمین طراحی و اعمال کرده‌اند. رویکرد تأثیرمحوری در معماری راه‌کارهای مقابله با این تهدیدها ایجاد می‌کند که صورت‌های گوناگون این تهدیدها شناخته و تحلیل شوند. برای این منظور از الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ که برای تشریح الگوی تطور و دگرگونی راه‌کنشی جنگ از مدار سخت به مدارهای نیمه‌سخت و نرم توسعه داده شده، استفاده شده است. رویکرد این پژوهش در استخراج تهدیدها رویکرد اکتشافی است که داده‌ها با استفاده از روش گروه‌کانونی استخراج و تحلیل شده‌اند. بر اساس نتایج این تحلیل میدان جنگ روانی از بین میدان‌های جنگ نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی کارآمدترین میدان جنگ ضدنظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. در هر میدانی از نبرد، تهدیدهای خاص و متفاوتی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است که در این پژوهش دوازده تهدید عمده شناسایی شده است. از میان تهدیدهای دوازده‌گانه، تهدید براندازی نظام از طریق میدان جنگ سیاسی، مهم‌ترین تهدید شناخته شده است. همین ارزیابی نشان می‌دهد در میدان جنگ اعتقادی، ما با غفلتی راهبردی روبه‌رو بوده‌ایم به‌گونه‌ای که تلفات جمهوری اسلامی ایران در این میدان بسیار قابل توجه بوده است.

**کلید واژگان:** تهدید، جنگ همه‌جانبه، جنگ نرم، اژدهای هفت‌سر جنگ

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه

إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ<sup>۱</sup>. امام علی(ع) به این نکته حیاتی اشاره می‌فرماید که شیطان برای شکست آدمی از راه‌های گوناگونی بهره می‌برد. آنچه امروز از شیطان بزرگ، آمریکا، در برابر انقلاب الهی ایران دیده می‌شود، مصداق همین حدیث شریف مولای متقیان است. فتنه‌انگیزی شیطان بزرگ علیه ملت آزاده و خداجوی ایران دیگر به صحنه‌های نظامی و برافروختن جنگ‌های نظامی نیابتی محدود نمی‌شود. هجمه‌ها و شبیخون‌های جبهه معارض به رهبری آمریکا در میدان نبرد فرهنگی سال‌هاست آحاد ملت ایران را هدف قرار داده است. جنگ تمام‌عیار اقتصادی با استفاده از نقاط ضعف اقتصادی ما و استفاده از سلاح‌های نفتی - دلاری منجر به صدور دستور ایجاد قرارگاه اقتصادی از جانب فرمانده کل قوا شده است.

فرمانده کل قوا حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) کراراً بر لزوم دشمن‌شناسی و افزایش بصیرت نسبت به توطئه‌های دشمن هشدار داده و می‌دهند: «... در این جنگ شیوه‌ها و روش‌های مختلفی در دستور کار است، از نفوذ و سرقت اطلاعات و تغییر محاسبات تصمیم‌گیران و تغییر باورهای مردم تا ایجاد نابسامانی مالی و اقتصادی و ایجاد آشفتگی‌های امنیتی<sup>۲</sup>...». بدون شک شناخت جبهه‌های گوناگون جنگ‌های آینده در معماری مؤلفه‌های دفاع همه‌جانبه لازم و ضروری است. کرفلد<sup>۳</sup> می‌گوید: هر کس بخواهد آینده را بشناسد، باید در مورد گذشته تحقیق کند(کرفلد، ۱۳۸۶: ۲۲۱)، چهره و ماهیت جنگ از گذشته تا به حال دگرگونی‌های زیادی داشته است. دگرگونی جنگ‌افزار و توسعه تکنیکی از یک‌سو، و تغییر راهبرد و توسعه راه‌کنشی یا تاکتیکی جنگ از سوی دیگر سهم ویژه‌ای در تحولات میدان‌های جنگ داشته است. اما آنچه که مهم است این است که تهدیدهای ماحصل از این توسعه‌ها در میدان‌های مختلف جنگ کدام‌ها هستند؟ کدام تهدیدها بیشترین کارآمدی را علیه جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ مهم‌ترین و به تعبیری خطرناک‌ترین تهدید بالفعل برای جمهوری اسلامی ایران کدام تهدید است؟ بنابراین پرسش اصلی این پژوهش را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

<sup>۱</sup> نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰

<sup>۲</sup> ۹۷/۱/۲۹- در دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات

<sup>۳</sup> Martin Van Creveld

«مهم‌ترین میدان جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران که بیشترین کارایی را برای دشمن دارد، کدام میدان است؟»

هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی کارآمدی میدان‌های جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران و تحلیل اولویت تهدیدهای این میادین است. بیان مولای متقیان علی(ع) در هشدار حیل‌های گوناگون شیطان و هم‌چنین فرمان فرمانده معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ما را ملزم می‌کند نگاه کلی‌تر و متفاوت‌تری به جنگ و دفاع داشته باشیم. اهمیت انجام این پژوهش هم در همین نکته است که تنها با شناخت تهدید تراز نخست می‌توان واکنش به‌هنگام، متناسب و مؤثر برای دفاع داشت. معظم‌له بنا به همین ضرورت است که می‌فرمایند: «یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند»<sup>۱</sup>. کلاوزویتس<sup>۲</sup>، راه‌پرداز مشهور می‌گوید: اولین، بهترین و گسترده‌ترین قضاوتی که دولت‌مردان و فرماندهان باید بنمایند، تعیین نوع جنگی است که در آن شرکت می‌جویند(همان: ۴۹). به تعبیر ساده ضرورت انجام این پژوهش در پیش‌گیری از غافل‌گیری راهبردی در هجمه همه‌جانبه جبهه معارض است.

### مبانی نظری تحقیق

هرچند جنگ پدیده‌ای همزاد بشر است، اما هنوز بشر نتوانسته یک تعریف شفاف از جنگ و مقولات مرتبط با آن برای خودش داشته باشد.

### مفهوم‌شناسی تحقیق

جنگ: بیشتر فرهنگ‌نویسان در تعریف واژه جنگ به بعد نظامی آن توجه کرده‌اند. دفتر واژه‌گزینی ستاد کل نیروهای مسلح، جنگ را چنین تعریف می‌کند: «جنگ؛ به‌کارگیری نیروهای نظامی منظم و نامنظم یک کشور در رشته عملیات‌های به‌هم‌پیوسته علیه کشور دیگر که به‌صورت

<sup>۱</sup> فروردین ۱۳۸۶

<sup>۲</sup> Carl Von Clausewitz

نبرد میان دو یا چند کشور با تمام توان نظامی طرفین مخاصمه از راه زمین، دریا و هوا برای پیروزی صورت می‌گیرد» (قنبری، ۱۳۹۱: ۱۰۱۹)، علی‌بابایی در تعریفی برگرفته از نظرات کلاوزویتس می‌گوید: «جنگ به انواع اعمال قهریه و جبریه‌ای گفته می‌شود که دولتی نسبت به دولت دیگر اعمال می‌دارد تا آن را به تمکین اراده خود مجبور سازد» (بابایی، ۱۳۸۲: ۲۲۰)، عمید جنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: زدوخورد و کشتار میان چند تن یا میان سپاهیان دو کشور (عمید، ۱۳۷۱: ۴۷۲)، مفهوم جنگ از ادبیات کهن فارسی این‌گونه استخراج می‌شود: «جنگ یعنی برخورد قهرآمیز برای تحمیل خواسته یا رسیدن به هدف» (خسروی، ۱۳۹۵: ۳).

**جنگ نرم<sup>۱</sup>:** هجوم غیرنظامی علیه حکومت یا مصالح یک کشور است با استفاده از عناصر فرهنگی و اجتماعی؛ جنگ نرم‌افزاری و فرهنگی علیه یک نظام از راه عناصر غیر سخت‌افزاری و استفاده از راه‌های مبارزه فرهنگی و اجتماعی (قنبری، ۱۳۹۱: ص ۹۱۴)، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانی ساده و موجز، جنگ نرم را این‌گونه تعریف می‌کند: «جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم». در همین راستا جوزف نای در تعبیر قدرت نرم می‌گوید: قدرت نرم توانایی کسب آنچه می‌خواهید از طریق اقناع و جذب کردن، نه از طرق اجبار یا پاداش می‌باشد. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، چهره دوم قدرت است (همان: ۱۰۷).

**عملیات روانی:** اصطلاح عملیات روانی نیز اصطلاحی است که نزدیکی زیادی با جنگ نرم دارد، به‌گونه‌ای که برخی آن را به‌اشتباه معادل جنگ نرم می‌دانند. وردی‌نژاد در توصیف عملیات روانی می‌گوید: «وقتی جامعه‌ای بی‌ثبات شده و انسجام اجتماعی در آن ضعیف گردید، میل به تغییر در آن تشدید می‌شود و همین وضع فرصتی پیش می‌آورد تا افکار تازه در آن جامعه تقویت شود. در این شرایط، به‌کارگیری جنگ روانی و در برخی موارد، استفاده هم‌زمان از نیروهای مسلح سرعت تغییر و پذیرش را دوچندان خواهد کرد. به همین منظور، آمادگی ذهنی و روانی و شکستن مقاومت فکری یک جامعه برای نفوذ در آن توسط دولت خودی یا دولت بیگانه ضروری‌ترین عامل پیروزی در یک جنگ روانی است» (وردی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲).

<sup>1</sup> Soft War

**جنگ ترکیبی:** کسی مفهوم جنگ ترکیبی را نمی‌فهمد، اما همه از جمله ناتو و اتحادیه اروپا آن را به‌عنوان یک مسئله قبول دارند (کولین و ریچبورن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷: ۳)، هافمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) می‌گوید: تاریخ‌دانان معتقدند که اکثر جنگ‌ها از عملیات منظم و نامنظم تشکیل شده‌اند. زمانی که درجه مشخصی از هماهنگی راهبردی بین نیروهای منظم و غیرمنظم در درگیری‌ها شکل می‌گیرد، می‌توان نام جنگ ترکیبی را بر آن نهاد. جنگ‌های ترکیبی آن دسته از جنگ‌های عظیم هستند که در آنها اجزای منظم و غیرمنظم بارزی به‌صورت هم‌زمان در حال نبرد تحت رهبری واحدی هستند (جولانی و فولادی، ۱۳۹۶: ۲۸)، زهدی و کلانتری در تعریف جنگ ترکیبی می‌گویند: جنگ با ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم، و ناهمگون است. جنگ ترکیبی شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای در دسترس دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای هدف است (زهدی و کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

جنگ همه‌جانبه<sup>۳</sup>: نروزی در تعریف جنگ همه‌جانبه می‌گوید: وادار کردن دشمن به تسلیم با استفاده از تمامی اقدامات اقتصادی، نظامی و سیاسی، اقدامات اقتصادی دشمن را از منابع حیاتی محروم می‌کند؛ اقدامات نظامی با کشتن و پراکنده کردن سربازان انهدام و یا غنیمت گرفتن سلاح و ... ارتش او را منهدم می‌سازد و با اقدامات سیاسی موجب از بین رفتن امید دشمن به پیروزی و در نهایت تزلزل در اراده او می‌شود (نروزی، ۱۳۸۵: ۳۰۴).

### پیشینه تحقیق

آروگویلا و رونفلد<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) به نقل از اسناد مؤسسه رند<sup>۵</sup> می‌گویند: ما رویکردهای مختلف را به ایجاد ساختار ائتلافی مستحکم بررسی نموده و به‌دنبال راهکارهایی برای افزایش تأثیرگذاری آمریکا هستیم، به‌گونه‌ای که نه تهدید محسوب شوند، نه واکنشی را برانگیزد (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱)، آنها سناریوهای

<sup>1</sup> J. Cullen, Patrick. Reichborn-Kjennerud, Erik

پژوهشگران مؤسسه آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های جنگ‌های آینده نروژ

<sup>2</sup> Frank G Hoffman

<sup>3</sup> Full Scale War

<sup>4</sup> Arguila & Ronfeldt

<sup>5</sup> RAND

اصلی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: الف) تغییر سیاسی یا رژیم؛ ب) تغییر رفتار؛ ج) مهار و جلوگیری از نفوذ قدرت ایران در شرایط محیطی جدید(همان: ۱۶).

بختیاری و صالح‌نیا (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله‌مراتبی» تهدیدهای عمده امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران را شناسایی و اولویت‌بندی کرده‌اند. آنها برای شناسایی تهدیدها از شاخص‌های تعریف تهدید بر اساس نظر خبرگان استفاده کرده‌اند و برای اولویت‌بندی این تهدیدها از روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده کرده‌اند. طبق پژوهش بختیاری و صالح‌نیا پنج تهدید اولویت بالا علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران از میان بیست و هشت تهدید شناسایی شده، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: ۱- جاسوسی و نفوذ اطلاعاتی؛ ۲- ترور و تروریسم؛ ۳- تهدیدهای سایبری در حوزه نظامی و اطلاعاتی؛ ۴- تهدیدهای ناظر بر فضای اقتصاد کلان؛ ۵- بحران ناکارآمدی نظام اداری و اقتصادی (بختیاری، صالح‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۷۴-۲۷۳)، در مقاله بختیاری و صالح‌نیا برای شناسایی تهدیدها، الگوی خاصی طراحی یا استفاده نشده است، لذا تمایز بین تهدیدهای شناسایی شده در مقاله‌شان کار ساده‌ای نیست. ضمن این‌که تهدیدی مانند جاسوسی فی‌نفسه تهدید نیست، اما هدفی که جاسوسی برای رسیدن به آن انجام می‌شود، می‌تواند تهدید باشد.

دهشیری و غفوری (۱۳۹۴) با بررسی «الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا»، آمریکا را به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر فرامنطقه‌ای دخیل در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه غرب آسیا معرفی می‌کنند که همیشه مورد توجه دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. آنها این راهبرد را موازنه سه‌بعدی قدرت می‌نامند که طی آن به بررسی پیش‌شرطها و لوازم اتخاذ این راهبرد و چگونگی بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان عامل ثبات در منطقه، از سیاست بی‌طرفی فعال در قبال قدرت‌های بین‌المللی در عین جلوگیری از بروز خلأ قدرت در منطقه غرب آسیا می‌پردازد(دهشیری، غفوری، ۱۳۹۴: ۱۷۵)، دهشیری و غفوری علی‌رغم اشاره غیرمستقیم به تهدیدهای همه‌جانبه در قالب معادلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی، نه تنها به الگوی خاصی برای استخراج تهدیدها اشاره نمی‌کنند، بلکه صرفاً به توصیه برای توجه به این تهدیدها اکتفا می‌کنند.

حاذق نیکرو (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تهدیدات نرم؛ مفاهیم و کارکردها» عرصه‌های تهدید نرم را در شش دسته ارائه می‌کند: ۱- حوزه تهدیدهای سیاسی؛ ۲- حوزه تهدیدهای اقتصادی؛ ۳- حوزه تهدیدهای فرهنگی؛ ۴- حوزه تهدیدهای اجتماعی؛ ۵- حوزه تهدیدهای ارتباطات اجتماعی؛ ۶- حوزه تهدیدهای علمی و اندیشه‌ای (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱)، در دسته‌بندی نیکرو نیز تلفیق حوزه‌های تهدید نیمه‌سخت و تهدید نرم به عنوان تهدید نرم طرح شده است. البته در تحلیل و نظر بسیاری از کارشناسان عدم تمایز دقیق بین تهدیدهای نرم و نیمه‌سخت به چشم می‌خورد. درحالی‌که بصیری در مقاله خود جنگ اقتصادی را جنگ سخت معرفی می‌کند (بصیری، ۱۳۹۱: ۱۵۲)، طاهری آن را در فهرست جنگ‌های نرم آورده است (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۱۷)، ما نشان خواهیم داد جنگ اقتصادی نه جنگ سخت است و نه جنگ نرم. بلکه در دسته جنگ‌های نیمه‌سخت قرار دارد.

طاهری با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد عوامل ایجاد تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران را به این چهار عامل دسته‌بندی کرده است: ۱- روانی؛ ۲- اجتماعی و فرهنگی؛ ۳- اقتصادی؛ ۴- نظامی (همان، ۱۳۹۵: ۱۲۵)، طاهری در مقوله نوع صحنه جنگ از جنگ نیمه‌سخت نامی به میان نمی‌آورد. او در واقع نوع صحنه جنگ را به دو دسته سخت و غیرسخت شامل نرم و نیمه‌سخت دسته‌بندی می‌کند، اما در همین دسته‌بندی طاهری هم جای تأمل بسیار وجود دارد. او درحالی‌که تهدیدهای نیابتی را جزو تهدیدهای نرم قلمداد می‌کند، تهدیدهای قومی و مذهبی و تهدیدهای سایبری را جزو تهدیدهای سخت بر می‌شمرد (همان، ۱۱۷).

رستمی در مقاله خود با بررسی تعاریف گوناگون جنگ و جنگ آینده، تلاش کرده است ماهیت و ویژگی‌های جنگ آینده علیه جمهوری اسلامی ایران را تحلیل کند. اما رستمی نیز خواسته یا ناخواسته مقاله و دریافتهای خود را از جنگ، محدود به جنگ نظامی و سخت کرده است. او در جمع‌بندی خود از تعاریف جنگ اذعان می‌کند که جنگ در هر صورت میان نیروهای مسلح است؛ با سلاح آتشین است؛ میان دو کشور است؛ و ... که ویژه جنگ‌های نظامی است (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

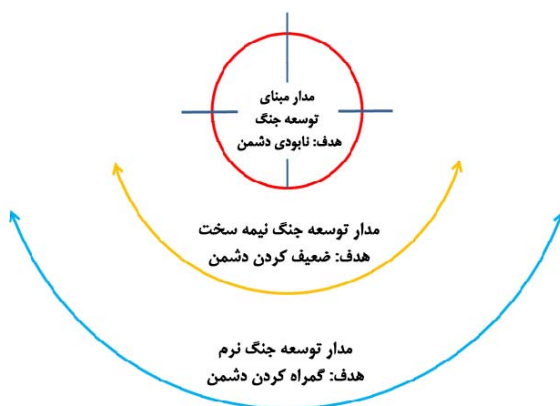
## نگاهی به الگوی ازدهای هفت‌سر جنگ

نظریه «جنگ نامحدود» کیائو و وانگ و همچنین نظریه «جنگ ترکیبی» هافمن (۲۰۰۷) بر مبنای تحول در ماهیت جنگ ارائه شده است. ماهیت جنگ‌های نخستین که بشر به‌صورت غریزی، اکتسابی، و یا تجربی آن را آموخت جنگ سخت بود. هرچند جنگ سخت اولین گونه جنگ‌های بشر بود و هم‌چنان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین گونه‌های جنگ انسان است، اما هیچ تعریف صریحی از جنگ سخت در منابع و فرهنگ‌های دفاعی و امنیتی به‌چشم نمی‌خورد. دفتر واژه‌گزینی ستادکل تعریف انهدام سخت<sup>۱</sup>، یا تخریب فیزیکی را ارائه کرده است، اما اشاره‌ای به جنگ سخت ندارد (قنبری، ۱۳۹۱: ۴۶۰). نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه نیز این تعریف را برای منازعه سخت<sup>۲</sup> ارائه کرده است: «مبارزه‌ای به شیوه نظامی و با هدف پیروزی و اشغال سرزمین هدف محسوب می‌گردد که این نوع از منازعه بیشتر در دوران استعمار کلاسیک مورد تأکید، استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گرفته است». اسکندری در مقدمه کتاب تهدیدات سخت می‌گوید: به تهدیدات ناشی از بکارگیری سلاح و تجهیزات، تهدیدات سخت گفته می‌شود (اسکندری، ۱۳۹۰: ۹)، بنابراین از فحوای تعاریف ارائه‌شده برای جنگ سخت و مترادف‌های آن می‌توان چنین استنباط کرد که هدف در میدان جنگ سخت نابودی حریف است. هدفی که هم هزینه مالی بالایی دارد، و هم هزینه جانی. این مدار از جنگ را می‌توان مدار مبنای توسعه راه‌کنشی جنگ دانست. از همین رو، بشر متخاصم برای کاستن از هزینه‌های مالی و جانی جنگ مدار دوم جنگ را معماری کرد (شکل ۱)، هدف جنگ در مدار دوم آن وارد آوردن فشار بر حریف و تضعیف او بود تا وادارش کند خواسته‌اش را بپذیرد. سون تزو نظریه‌پرداز و راه‌پرداز مشهور نظامی چین باستان می‌گوید: کسب صد پیروزی در صد نبرد اوج برتری و مزیت نیست، اوج برتری شکست مقاومت دشمن، بدون جنگ است (مؤذن جامی، ۱۳۸۹: ۲۵).

<sup>1</sup> Hard Kill

<sup>2</sup> Hard Conflict





شکل شماره ۱: مدارهای توسعه راه‌کنشی جنگ (خسروی، ۱۳۹۷: ۲۳)

آشکاری نسبی دشمنی در این مدار یک مقاومت ذاتی را در حریف به دنبال دارد و تا زمانی که حریف در هر سطح و توانی در برابر دشمن مقاومت از خود نشان می‌دهد، هزینه دستیابی به اهداف نیز بالاست. بنابراین بشر متخاصم با هدف پنهان کردن دشمنی و انحراف دستگاه محاسباتی حریف، به مدار سوم جنگ روی آورد. مونچف (۲۰۰۶) می‌گوید: اهداف دشمن دیگر صرفاً نظامی نیستند، هدف صرفاً شکست دادن نظامی دشمن نیست. بلکه کسب پیروزی از طریق مجاب کردن تصمیم گیرندگان دشمن به این امر است که اهداف آنها هزینه فوق‌العاده‌ای داشته یا غیرقابل دستیابی هستند (فولادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹). مدار متناظر با انحراف دستگاه محاسباتی حریف یک مدار همزاد بشر است. ابلیس به‌عنوان دشمن شماره یک بشر با هدف اغوای حضرت آدم (ع) و حضرت حوا (ع) به آنها گفت من قسم می‌خورم که خیر خواه شمایم<sup>۱</sup>. اما جوزف نای<sup>۲</sup> نام این مدار را در مقابل جنگ سخت، مدار جنگ نرم گذاشت. او می‌گوید: جنگ نرم در برابر جنگ سخت در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه، گروه، یا گروه‌های هدف را نشانه می‌گیرد و بدون جنگ و درگیری نظامی و گشودن آتش رقیب را به انفعال یا شکست و اِمداد (ملکی، ۱۳۹۲: ۶۹)، سیف و همکارانش در جمع‌بندی از نظرات گوناگون در باب قدرت نرم می‌گویند: قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه

<sup>۱</sup> سوره مبارکه اعراف، آیات ۲۰ و ۲۱

<sup>۲</sup> Joseph Nye

از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است (سیف و همکاران، ۱۳۹۲: ۹)، جدول ۱ خلاصه توصیف الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ از ویژگی‌های مدارهای توسعه راه‌کنشی جنگ را نشان می‌دهد (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۸)،

مدار جنگ	اعمال قوه قهریه	هدف جنگ
جنگ سخت	آشکار	نابودکردن حریف
جنگ نیمه‌سخت	نسبتاً آشکار	ناتوان کردن حریف
جنگ نرم	پنهان	نادان کردن حریف

جدول شماره ۱: ویژگی مدارهای توسعه راه‌کنشی جنگ

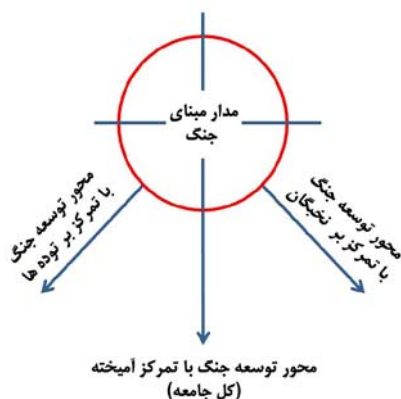
گاتانو موسکا می‌گوید: در همه جوامع دو طبقه از مردم حضور دارند: طبقه‌ای که حکومت می‌کنند، و طبقه‌ای که بر او حکومت می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۸: ۵۴)، در جنگ سخت که هدف آن نابودی حریف است، تمایزی بین این طبقات وجود ندارد. از وقتی جنگ‌های قبیله‌ای شکل می‌گرفت، تمرکز جنگجویان، نابودی کامل قبیله مقابل بود. کشتن همه مردان قبیله، اسارت یا قتل همه زنان و کودکان، به آتش کشیدن چادرها یا کومه‌های قبیله حریف، غنیمت گرفتن احشام قبیله حریف و ... به‌گونه‌ای دنبال می‌شد که کل جامعه حریف، هدف حمله و جنگ قرار می‌گرفت. به تعبیری محور تمرکز در جنگ‌های سخت تمرکزی آمیخته (نخبگان، توده‌ها) بود.

از زمانی که انسان با مدار توسعه جنگ نیمه‌سخت و رویکرد کاهش تلفات مالی و جانی در جنگ از طریق ضعیف کردن حریف آشنا شد، در واقع محور دوم تمرکز جامعه هدف در جنگ را هم شناخت. تمرکز بر نخبگان و گروه‌های خاص مانند ریش‌سفیدان و بزرگان قبایل محور دوم تمرکز بر جامعه هدف انسان در جنگ بود. در جنگ‌های سیاسی که بارزترین نمونه و اولین نمونه از مدار جنگ نیمه‌سخت روی محور تمرکز بر نخبگان بود، انسان متخاصم تلاش می‌کرد با خارج کردن رأس قبیله از دشمنی و مقاومت، مقاومت کل قبیله را هم تحت‌الشعاع قرار دهد. از نگاهی دیگر در

نبرد تن به تن هم تمرکز برای ضربه‌زدن به نقاط حساس به‌ویژه سر و قلب یکی از مهم‌ترین محورهای تمرکز در مبارزه بوده و هست.

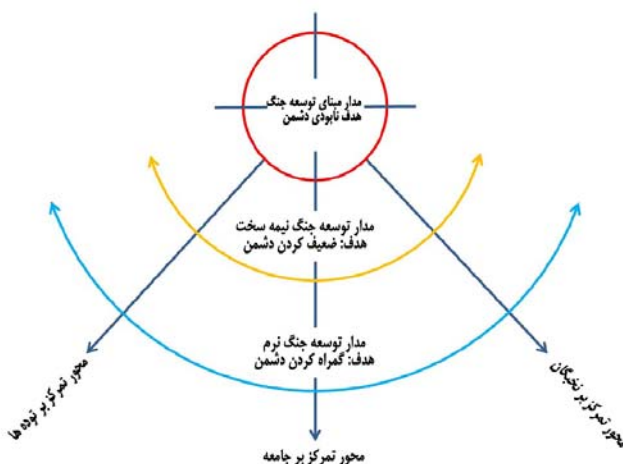
توده‌های اجتماعی همواره با داشتن شرایطی مانند مولد بودن یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت اجتماعی یک جامعه بوده است. پشتیبانی و همراهی توده‌های جامعه از حاکمیت تضمین پیروزی در هر میدان جنگی بوده است. همین نکته راهبردی انسان متخاصم را متوجه سومین محور تمرکز جامعه هدف در توسعه راه‌کنشی جنگ که همان محور تمرکز بر توده‌هاست، کرد. تعبیر تمرکز بر توده‌ها در نبرد تن به تن عبارت است از سایر اعضای غیرحساس بدن. جلوگیری از همراهی نکردن اعضا بجز سر و قلب حریف مانند پا یا دست در نبرد، یک برگ برنده برای انسان متخاصم محسوب شده و می‌شود.

بنابراین محورهای سه‌گانه تمرکز بر جامعه هدف در توسعه راه‌کنشی جنگ عبارت بودند از محور تمرکز آمیخته، محور تمرکز بر نخبگان و گروه‌های خاص (مانند سیاسیون و کارگزاران، دانشمندان، بزرگان و روحانیون)، و محور تمرکز بر توده‌ها و اعضای جامعه که در شکل ۲ نشان داده شده است (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۶).



شکل شماره ۲: محورهای تمرکز هدف در توسعه راه‌کنشی جنگ

تلفیق مدارهای سه‌گانه ماهیت جنگ که در شکل ۱ نشان داده شد با محورهای سه‌گانه تمرکز جامعه هدف جنگ که در شکل ۲ نشان داده شد، یک فضای دوبعدی از توسعه راه‌کنشی جنگ را نشان می‌دهد که در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل شماره ۳: محورها و مدارهای توسعه راه‌کنشی جنگ

مرکز و گره مبنا در شکل ۳ همان جنگ نظامی است که در واقع اولین، گسترده‌ترین، و شناخته شده‌ترین گونه از جنگ است که بشر به صورت غریزی و ذاتی و یا اکتسابی آن را فرا گرفته است. اما به مرور بشر دامنه ماهیتی جنگ را به صورتی که در بخش پیش توضیح داده شد، روی دو مدار دیگر و سه محور گسترش داد. نقاط شش‌گانه تقاطع این مدارها و محورها در واقع صورت‌هایی از جنگ هستند که بشر با رویکرد راه‌کنشی آنها را توسعه داده است.

**تقاطع ۱: جنگ نیمه‌سخت با تمرکز بر نخبگان؛ سون تزو می‌گوید:** فرمانده، دیوار دفاعی ملت است، اگر این دژ دور تا دور ملت را بگیرد، کشور قوی خواهد بود و اگر معیوب باشد، کشور ضعیف خواهد شد (مؤذن جام، ۱۳۸۹: ۲۴)، هدف در جنگ سیاسی که با تمرکز بر نخبگان و سیاسیون حریف انجام می‌شود، فشار بر حریف و واداشتن او به پذیرش خواسته طرف متخاصم از طریق نخبگان

جامعه حریف است. در این جنگ نیز دشمنی دشمن، نسبتاً آشکار بوده و درک آن هم به نسبت ساده است. بنابراین جنگ سیاسی نیز یک جنگ نیمه‌سخت محسوب می‌شود (خسروی، ۱۳۹۷: ۶)،

**تقاطع ۲:** جنگ نیمه‌سخت با تمرکز آمیخته؛ رویکرد جنگ در این تقاطع هم ناتوان کردن حریف برای غلبه بر اوست که با راهبرد تضعیف فرصت‌های او اما با تمرکز آمیخته بر کل جامعه حریف انجام می‌شود. زهدی و کلانتری می‌گویند: اگر کشوری قدرت داشته باشد اقتصاد طرف مقابل را با بحران و چالش جدی مواجه کند و یا واکنش اقدامات حریف به گونه‌ای باشد که تأثیرات قابل توجهی روی اقتصاد آن کشور داشته باشد، عامل بازدارندگی قوی محسوب می‌شود (زهدی و کلانتری، ۱۳۹۵: ۲۳۷). جنگ اقتصادی قبیله قریش علیه پیامبر گرامی اسلام و پیروانش در صدر اسلام و تشکیل حصار شعب ابی طالب یک نمونه بارز از جنگ‌های این گره بود. در جنگ اقتصادی، دشمنی دشمن نسبتاً آشکار است و درک تهدید اقتصادی چندان دشوار نیست. هدف در جنگ اقتصادی تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی جامعه و بهره‌برداری از تبعات ناشی از آن است. سیف و همکارانش با جمع‌بندی نظرات مختلف در باب قدرت اقتصادی می‌گویند: دست‌کاری عامدانه و اندیشیده شده منابع اقتصادی توسط یک دولت با هدف تأثیرگذاری مستقیم روی رفتار دولت دیگر و وادار کردن آن به انجام یک رشته از اقدامات که در شرایط عادی و از روی اراده خودش آنها را انجام نمی‌داد (سیف و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳)، بنابراین می‌توان گفت جنگ اقتصادی یک جنگ نیمه‌سخت با تمرکز آمیخته بر جامعه حریف است.

**تقاطع ۳:** جنگ نیمه‌سخت با تمرکز بر توده‌ها؛ در این تقاطع هم رویکرد جنگ ناتوان کردن حریف برای غلبه بر اوست که با تمرکز بر توده‌ها و مردمان حریف انجام می‌شود. جنگ اقتصادی و وارد آوردن فشار تا زمانی که توده‌های مردم در برابر سختی‌های این جنگ، از خود مقاومت نشان دهند، عملاً مؤثر واقع نمی‌شود. بشر جنگجو متوجه این نکته شد که اگر بخواهد حریف را وادار به پذیرش خواسته‌اش کند، باید مقاومت مردم جامعه حریف را تضعیف کند. باید کاری کند که مردم حاکمیت را همراهی نکنند. یا اگر همراهی می‌کنند، توان مقابله نداشته باشند. ذات میدان جنگ اجتماعی از همین رویکرد شکل گرفت. سلاح‌های میدان جنگ اجتماعی سلاح‌های متعدد و متنوعی هستند که در دیگر میدان‌ها بیشتر کارکرد دارند تا میدان جنگ اجتماعی. حرب‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین سلاح‌هایی است که در میدان جنگ اقتصادی به کار گرفته می‌شود، اما

یکی از اثرات مهمش در میدان جنگ اجتماعی است. فشار اقتصادی می‌تواند در بلندمدت نارضایتی اجتماعی حاد ایجاد کند. این نارضایتی اجتماعی در صورتی که مدیریت شود، همان هدفی است که دشمن در میدان جنگ اجتماعی به دنبال آن است. تضعیف فرصت‌های رشد و یادگیری و توانمند شدن توده‌های جامعه حریف در قالب تحریم‌های صنعتی، علمی، دارویی و ... صورت‌های نوینی از میدان جنگ اجتماعی هستند که به‌ویژه در دوران استعمار نوین یعنی دوران پس از جنگ جهانی دوم نمود فراوانی دارند.

**تقاطع ۴:** جنگ نرم با تمرکز بر توده‌ها؛ رویکرد جنگ در این تقاطع نادان کردن حریف برای فریب و غلبه بعدی بر اوست که با تمرکز بر توده‌های جامعه حریف انجام می‌شود. گاهی در جوامعی اعتقادات و اندیشه‌ها از چنان قوام نسبی‌ای برخوردارند که نمی‌توان به سادگی آن را تغییر داد. امام علی (ع) می‌فرماید: «العَادَةُ عَدُوٌّ مِثْلُكَ؛ عادت دشمنی اشغالگر است<sup>۱</sup>». در این موارد بشر متخصص از این واقعیت که تکرار در رفتار در بلندمدت به باور تبدیل می‌شود استفاده می‌کند. دشمن در این حالت تلاش می‌کند با شیوه‌های نرم اقناع و اغواء رفتارهایی را در جامعه حریف جاری کند تا به فرمایش مولای متقیان بتواند هدف اشغالگری‌اش را نیز دنبال کند. این جنگ مصداق بارز جنگ فرهنگی است. بنابراین جنگ فرهنگی جنگی است که در مدار جنگ نرم با تمرکز بر توده‌های جامعه حریف و با هدف تغییر رفتار توده‌های حریف انجام می‌شود.

البته توجه انسان به تسخیر ذهن حریف در قالب عملیات روانی سابقه‌ای همزاد جنگ دارد و مختص جنگ‌های بشری هم نیست. نعره‌هایی که جنگ‌جویان اولیه هنگام نبرد می‌کشیدند که هم یک راه‌کنش مشترک بین انسان و حیوان است و هم این که هنوز هم کاربرد دارد، یک عملیات روانی ساده و کارآمد است که برای تأثیر بر ذهن حریف و وادار کردنش به پذیرش خواسته انجام می‌شود. تمرکز بر توده‌ها در مدار جنگ نرم بیشتر معطوف به برنامه‌ریزی برای تغییر رفتار توده‌هاست. همان چیزی که رهبر معظم انقلاب آن را هجمه فرهنگی نامیدند. امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) در توصیف فرهنگ می‌فرماید: فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در

<sup>۱</sup> غررالحکم، صفحه ۳۳، شماره ۱۰۰۱

زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است<sup>۱</sup>. تمرکز برای تغییر رفتار آحاد یک جامعه به مرور به تغییر عادات و باورهای اجتماعی منجر می‌شود و جامعه‌ای که باورهایش را از دست داد، به راحتی شکست‌پذیر می‌شود.

**تقاطع ۵:** جنگ نرم با تمرکز بر نخبگان؛ رویکرد جنگ در این تقاطع هم فریب حریف برای غلبه بعدی بر اوست که با تمرکز بر نخبگان و گروه‌های خاصی از حریف مانند بزرگان، روحانیون و اندیشمندان حریف انجام می‌شود. تلاش برای تغییر رفتار آحاد یک جامعه قطعاً کاری زمان‌بر و پرهزینه است که نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت هم دارد، اما اگر نخبگان یک جامعه از باور خود دست بردارند، به واسطه تأثیرگذاری ذاتی نخبگان بر توده‌ها، راحت‌تر می‌توان باورهای افراد جامعه را تغییر داد. مولای متقیان امام علی(ع) می‌فرماید: «زَلَّهَ الْعَالِمُ تَفْسِدُ الْعَالَمُ؛ هرگاه عالم گمراه شود، عالم به تباهی کشیده می‌شود<sup>۲</sup>». آن امام همام همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «اِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ، فَسَدَ الْعَالَمُ؛ هرگاه عالمی فاسد شود، عالم را به فساد می‌کشاند<sup>۳</sup>». فساد یک عالم بیش از آنکه در کردار او نمود داشته باشد، در اندیشه و اعتقادات او جلوه می‌کند. دشمن متخاصم با درک کامل این موضوع، دریافته است که اگر بخواهد مقاومت آحاد یک جامعه را بشکند، و یا مسیر حرکت آن جامعه را عوض کند، تمرکز بر نخبگان و علمای جامعه راه میان‌بر رسیدن به این هدف است. تغییر اندیشه و اعتقادات نخبگان و علمای جامعه نه با زور و فشار، بلکه با تزویر و قدرت نرم حاصل می‌شود. بنابراین جنگ اعتقادی یا جنگ اندیشه‌ها جنگی است که در مدار جنگ نرم با تمرکز بر نخبگان و با هدف تغییر اندیشه نخبگان حریف افروخته می‌شود.

**تقاطع ۶:** جنگ نرم با تمرکز آمیخته بر جامعه حریف؛ رویکرد جنگ در این تقاطع هم نادان کردن حریف برای فریب و غلبه بعدی بر اوست که با تمرکز بر کل جامعه حریف انجام می‌شود. بشر متوجه این تأثیر شده بود که به جای هزینه‌های نسبتاً بالای جنگ نیمه‌سخت، می‌تواند با هزینه کم‌تری از ایجاد اثرات روانی بر جامعه بهره‌بردارد. او با ایجاد جنگ روانی هم می‌توانست نخبگان را در

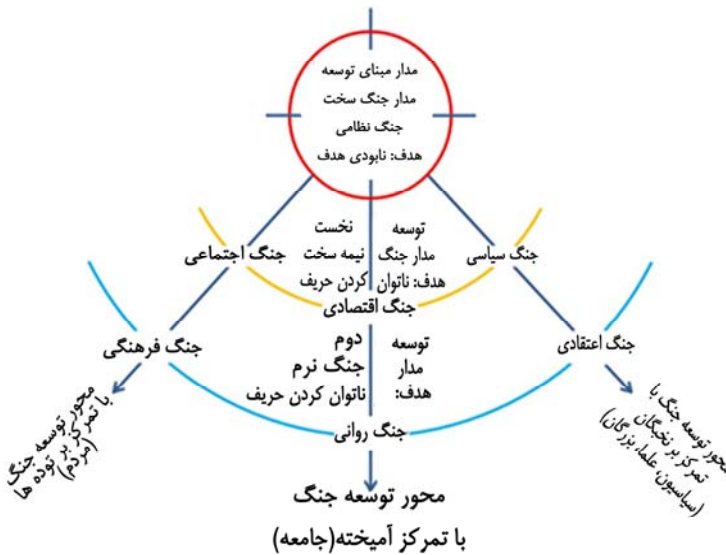
<sup>۱</sup> بیانات در جمع مردم در حرم رضوی، ۹۳/۱/۱

<sup>۲</sup> غررالحکم، جلد ۱، صفحه ۴۲۶

<sup>۳</sup> منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوبی). جلد ۱، صفحه ۱۸۶

تصمیم‌گیری متزلزل کند، و هم در دل توده‌ها تردید بیندازد. متأسفانه برخی راه‌کنش جنگ روانی را با مدار جنگ نرم یکی قلمداد می‌کنند، درحالی‌که جنگ روانی تبلور جنگ نرم روی محور تمرکز آمیخته است. زهدی و کلانتری ایده محوری در جنگ روانی را بهره‌مندی و ضربه‌زنی به افکار جمعی و فردی دشمن و دفاع متقابل می‌دانند (زهدی و کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۵۶)، مائو با اشاره به نقش عملیات روانی در نبرد می‌گوید: شورشیان باید با استفاده از تبلیغات به دشمن حمله کرده و سعی کنند که اراده سیاسی متحدان و حامیان دشمن را تضعیف نمایند (حسنلو، منزوی، ۱۳۸۸: ۱۸).

در رویکردهای نوین جنگ این هفت میدان با ترکیبی کل‌گرا افروخته می‌شوند که غفلت از هر کدام از این تهدیدها و یا به تعبیری سرها، می‌تواند لطمه به امنیت ملی جامعه حریف باشد. نمای راداری و در عین حال تار عنکبوتی الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ برای القای همین خاصیت شبکه‌ای و همه‌جانبه بودن جنگ‌ها در عصر حاضر و جنگ‌های آینده است.

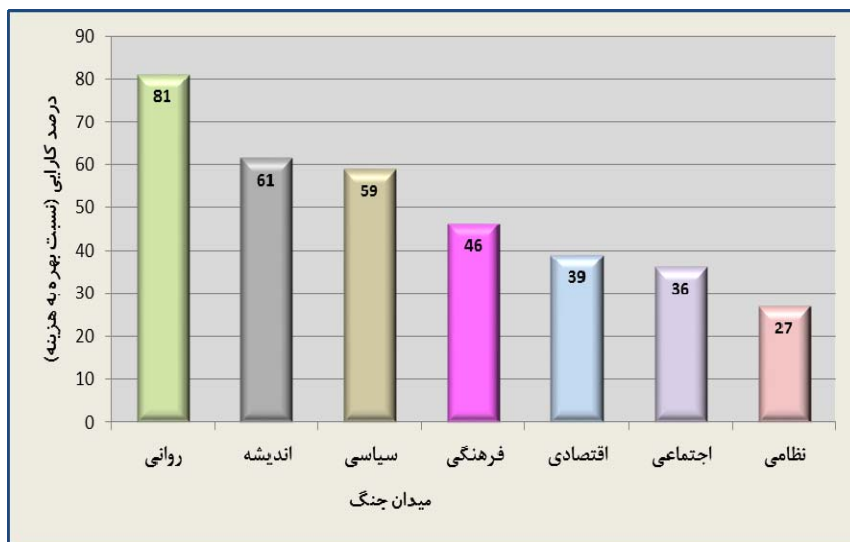


شکل شماره ۴: الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ



به‌تعبیر دیگر، این هفت میدان مانند هفت سر یک اژدهای هفت‌سر عمل می‌کنند، و تمرکز بر غلبه بر یک سر به‌منزله نابودی اژدها نیست. از این‌رو نام این طرح نیز اژدهای هفت‌سر جنگ انتخاب شده است که در شکل ۴ نشان داده شده است.

برای تحلیل کارآمدی میدان‌ها از دو شاخص هزینه جنگ در میدان و بهره جبهه معارض از جنگ استفاده شده است. برآورد کمی این شاخص‌ها برای هفت میدان کار ساده‌ای نیست، اما مقایسه زوجی شاخص‌ها امکان‌پذیر است. بنابراین با استفاده از این‌روش در گروه کانونی متشکل از خبرگان مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، حوزه راهبری طرح‌های دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی و مدیریت راهبردی معاونت پژوهش سازمان صنایع هوافضا شاخص‌های بهره و هزینه میدان‌های هفت‌گانه جنگ با هم مقایسه شد. نتیجه این تحلیل در شکل ۵ ارائه شده است (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۳-۱۲).



شکل شماره ۵: کارایی میدان‌های هفت‌گانه جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران

نکته حائز اهمیت این‌که این تحلیل و این برآوردها در خصوص جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران تا به‌حال است و در زمانی دیگر و یا در مورد کشورهای دیگر این مقادیر لزوماً ثابت نیستند. طبق این برآورد کارآترین میدان جنگ جبهه معارض ضد جمهوری اسلامی

ایران، میدان جنگ روانی بوده است. با توسعه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، تولید و پخش شایعه تقریباً بدون هیچ هزینه‌ای انجام می‌شود. اما نمونه‌ای از بهره این جنگ را می‌توان در حباب قیمت‌های کاذب کالاهای اساسی بعد از جنگ روانی قیمت ارز و لطامات ناشی از این غافلگیری روانی مشاهده کرد که به این پژوهش بر نمی‌گردد. از جهت دیگر نمودار، کم‌ترین کارایی را میدان جنگ نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. حمله نظامی علیه ایران قطعاً اقدامی احمقانه خواهد بود که هزینه‌های بسیار بالایی برای جبهه معارض خواهد داشت. حماقت و حمله نظامی جبهه داعش به مجلس و حرم امام راحل (ره) که هزینه‌ای در حد نابودی برایشان به‌جا گذاشت، نمونه‌ای از هزینه جنگ نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است. از این جهت تحلیل دو کران نمودار منطقی به‌نظر می‌رسد.

## روش تحقیق

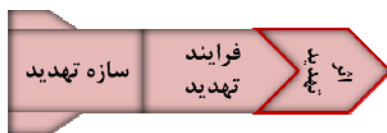
هدف این پژوهش تبیین تهدیدهای همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران است که مورد شناسایی و تحلیل قرار می‌گیرند. از این‌رو این پژوهش در لایه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. داده‌های اولیه این پژوهش داده‌های کیفی هستند که با نظرسنجی از خبرگان در گروه کانونی گردآوری شده‌اند. این داده‌ها برای تحلیل به داده‌های کیفی تبدیل می‌شوند. براین اساس روش تحلیل داده‌ها روش تحلیل آمیخته است که با مبنای تفسیرگرایی انجام خواهد شد.

## تجزیه و تحلیل یافته‌ها

### الگوی شناسایی تهدیدها

در یک تحلیل کلی سازمان‌ها، سیستم‌ها، و حتی پدیده‌ها را می‌توان از سه بعد مورد شناخت قرار داد: (۱) بعد نخست سازه یا بعد استاتیک که در واقع معطوف به اجزا و ترکیبات سیستم می‌شود؛ (۲) بعد دوم فرآیند یا بعد دینامیک که معطوف به پویایی سیستم، کارکرد اجزا و چگونگی دادوستد آنها با یکدیگر و با محیط است؛ (۳) بعد سوم خروجی سیستم است که معطوف به بهره و محصول سیستم است. خروجی یا بهره سیستم، هدفی است که سیستم برای آن ایجاد می‌شود. با همین نگاه ساده یک تهدید را می‌توان از

سه بعد مورد تحلیل قرار داد (شکل ۶: ۱) ساختار و سازه تهدید چه ترکیبی دارد؟ ۲) نحوه کارکرد این سازه‌ها با هم - که منجر به خروجی تهدید می‌شود - چگونه است؟ ۳) خروجی نهایی تهدید که تهدید برای دستیابی به آن خروجی طراحی شده است، چیست؟ (خسروی، ۱۳۹۷: ۷).



شکل شماره ۶: الگوی تحلیل تهدید

## تحلیل اهداف تهدید

این نگاه یک نگاه تحلیلی است، اما در نگاه طراحی، معمول این است که نخست خروجی مورد انتظار از تهدید که همان اثر تهدید و هدف از کارکرد تهدید است، تعیین می‌شود. سپس بر اساس این خروجی بعد استاتیک و دینامیک تهدید طراحی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اثر تهدید همان خواسته و هدفی است که تهدید بر اساس آن معماری می‌شود. به تعبیر دیگر برای شناسایی و تحلیل یک تهدید، بهترین نشانی و سرخط، شناسایی اثر و هدف تهدید است.

## اهداف تهدید در میدان جنگ نظامی

قوام و اقتدار ملی نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ نظامی در چنان ترازوی هست که جبهه معارض این خطا را مرتکب نشود. جبهه معارض کاملاً می‌داند که حماقت نظامی او نه تنها باعث براندازی نظام نخواهد شد، بلکه با تحریک احساسات ملی باعث انسجام داخلی ایران و نهایتاً تقویت نظام نیز خواهد شد. بنابراین در میدان جنگ نظامی هیچگاه به دنبال براندازی نخواهد افتاد و صرفاً با هدف «تخریب زیرساخت‌های قدرت ملی» جنگ احتمالی را آغاز خواهد کرد. هرچند در سال‌های آغازین سده ۲۱ میلادی که توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران هنوز چندان رشد نکرده بود، این تفکر در میان سیاسیون و نظامیون آمریکایی به‌ویژه در شخص رییس جمهور وقت آمریکا جرج بوش وجود داشت - که می‌تواند با یک حمله گسترده مانند آنچه در عراق و افغانستان انجام داد، زمینه تغییر حکومت را در ایران نیز فراهم آورد - اما شرایط کنونی منطقه و

قدرت روزافزون دفاعی ایران این گزینه را نزد راهپردازان آمریکایی بسیار کم‌رنگ کرده است. آن‌ها تهاجم برای براندازی را از جبهه سخت به جبهه‌های نرم و نیمه‌سخت کشانده و دنبال می‌کنند. از همین روست که پروژه براندازی نرم توسط راهپردازان آمریکایی تعریف شده است.<sup>۱</sup>

آمریکاییان در معماری تهدید نظامی، از راهبرد «شوک و بهت» استفاده می‌کنند. شوک و بهت، یک اصطلاح تاکتیکی نظامی است که اصطلاحاً «غلبه سریع» نامیده می‌شود. مبتنی بر این راهبرد بعد از وارد کردن یک شوک به حریف و گیج کردن وی، وارد مرحله بهت و گرفتن نتیجه می‌شود. یکی از نظریه‌هایی که در معماری این تهدید مورد توجه قرار گرفته است، نظریه پنج حلقه واردن است. جان واردن آمریکایی<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) ضمن تأیید ضمنی نظر متقدمان، آن را تکمیل می‌کند. نظریه پنج حلقه واردن مراکز ثقل یک کشور را به مثابه اعضای بدن انسان می‌داند که انهدام هر کدام از این اعضا می‌تواند توان مقاومت کشور را از بین ببرد. او به نقش آفند هوایی در این نظریه تأکید می‌کند ولی برخلاف متقدمان، آفند هوایی را منحصر به بمباران‌های هوایی نمی‌داند، بلکه به بهره‌گیری از همه قوای آفند هوایی مانند موشک‌های کروز نیز توجه دارد. نظریه واردن در جنگ‌های اول و دوم عراق و جنگ یوگسلاوی مورد استفاده قرار گرفت که نتیجه بخش بود<sup>۳</sup> (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۳۳)، نظریه فلج راهبردی جان بوید نیز در معماری این تهدید مؤثر بوده است. جان بوید<sup>۴</sup> استاد و نظریه پرداز آمریکایی در نظریه فلج راهبردی خود می‌گوید: همه رفتارهای بشری، فردی یا سازمانی می‌تواند به عنوان یک حلقه مداوم و به‌صورت چهار عمل مجزا مانند مشاهده، جهت‌یابی، تصمیم و اقدام ارائه شود. برنده کسی است که این چهار عمل (حلقه بوید) را سریع‌تر از دشمن انجام دهد (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

<sup>۱</sup> ر. ک. به سند جنگ نرم: توصیف جبهه معارض در جنگ نرم؛ درآمدی بر شناخت دشمن. معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح. ص ۱۰۱

<sup>۲</sup> John Warden

<sup>۳</sup> صهیونیست‌ها در جنگ ۳۳ روزه نیز تلاش کردند تا بر اساس نظریه پنج حلقه واردن، به حزب ... لبنان حمله کنند، اما به دلیل تغییر شرایط فضای نبرد، از نیروهای مشخص گسترده به سمت تشکیل هسته‌های مقاومت غیرقابل مشخص، عملاً کارایی نظریه واردن زیر سؤال رفت. سعودی‌ها نیز از همین نظریه در جنگ یمن استفاده کردند ولی آنها هم نتوانستند راه به جایی ببرند.

<sup>۴</sup> John Boyd

## اهداف تهدید در میدان جنگ اقتصادی

پس از جنگ جهانی دوم نظر برخی فرماندهان نظامی غرب مانند پاتون حمله به شوروی و یکسره کردن کار این ابرقدرت بود. راهپردازان هرچند با اصل پیشنهاد - یکسره کردن کار ابرقدرت شرق - موافق بودند، اما راهبردشان چیز دیگری بجز حمله نظامی بود. هرچند تا به حال هیچ تحلیل‌گری به این نکته نپرداخته است که آیا اقتصاد سوسیالیستی دسیسه‌ای غربی علیه ابرقدرت شرق بود یا خیر، اما آنچه که واضح است این است که ابرقدرت شرق را اقتصاد سوسیالیستی درهم شکست. از همان سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جبهه معارض هجمه‌ها و حربه‌های اقتصادی خود را ضد جمهوری اسلامی ایران در قالب راهبردها و برنامه‌های گوناگونی مانند تحریم، ایجاد تورم، تحمیل رکود و ... آغاز کرد. هرچند هدف غایی از این حربه‌ها هم در نهایت براندازی نظام جمهوری اسلامی بود، اما هدف و اثری که جبهه معارض از این حربه‌ها دنبال می‌کرد و دنبال می‌کند «فلج کردن اقتصاد ایران و قطع شریان‌های قدرت مالی نظام جمهوری اسلامی ایران» است.

اثر دیگری که این هجمه‌ها می‌تواند ایجاد کند اما در جبهه اجتماعی اثرگذار باشد، «ایجاد و افزایش نارضایتی اجتماعی» است. گرانی و سختی معیشت ناشی از جنگ اقتصادی فشارهای اجتماعی سنگینی را به طبقات میانی و پایینی جامعه وارد می‌کند که در واقع سرمایه‌های اجتماعی انقلاب نیز همین طبقات هستند. این اثر نیز هرچند در میدان نبرد اقتصادی دنبال می‌شود، اما راهکاری است که از میدان نبرد اجتماعی به این میدان دیکته شده است. تکیه بر هژمونی دلار، وابسته‌سازی هرچه بیشتر بودجه و اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و تلاش برای اضمحلال تولید داخلی بیشترین حربه‌هایی است که جبهه معارض در میدان نبرد اقتصادی از آن بهره می‌برد.

«فشار و محاصره فلج‌کننده» عنوان یکی از راهبردهای جبهه معارض برای تضعیف زیرساخت‌های فرهنگی و روانی تولید، شکستن مقاومت اقتصادی و ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد ملی است. در این راهبرد ضمن رواج‌دادن فرهنگ مصرف‌زدگی و جلوگیری از تولید و رونق بازار کالاهای ایرانی و ترویج واردات بی‌رویه، به‌صورت هم‌زمان تشدید تحریم‌ها، اعمال فشار و ایجاد

ناپایداری اقتصادی در ایران توأم با تهدید مستمر، محدودسازی ارتباطات و تضعیف هم‌پیمانان ایران در دستور کار غرب است.<sup>۱</sup>

### اهداف تهدید در میدان جنگ سیاسی

میدان جنگ سیاسی شعله‌ورترین میدان نبرد جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران است. دشمن وقتی پس از هشت سال جنگ تحمیلی همه‌جانبه به این نتیجه رسید که براندازی نظام جمهوری اسلامی در میدان نبرد نظامی امکان‌پذیر نیست، بیشترین تمرکز و توانش را برای براندازی در جبهه‌های نرم و نیمه‌سخت دنبال کرد. یکی از این جبهه‌ها که هجمه فراوانی هم داشته است، جبهه نبرد سیاسی بوده است. اصلی‌ترین هدفی که دشمن در این جبهه دنبال می‌کند، «براندازی اصل نظام جمهوری اسلامی» است. مرکز سابان وابسته به مؤسسه بروکینگز بعد از بررسی و مطالعات خود در یک سند ۲۹۱ صفحه‌ای برای مواجهه با ایران با عنوان «کدامین مسیر به سمت ایران» برنامه‌هایی را ارائه داده است. پیشنهاد نهایی این مرکز واژگون کردن حکومت تهران و تغییر رژیم است.<sup>۲</sup>

در دومین توصیه از توصیه‌های پانزده‌گانه کمیته خطر جاری آمریکا و پروژه براندازی نرم، آمده است: «ایران باید در صدر برنامه سیاست خارجی آمریکا در چهار سال آینده قرار بگیرد. واشنگتن اکنون به رویکرد جدیدی نیاز دارد. باید همه نیروها برای این راهبرد منسجم شوند. باید درس‌های گذشته مورد بازبینی قرار گیرد. درس‌هایی که از فروپاشی بلوک شرق به یادگار مانده است و همچنین درس‌هایی که در تغییر حکومت‌ها در کشورهایی مانند شیلی یا اندونزی گرفته شد<sup>۳</sup>».

اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی را براندازی نوع یک بدانیم، هدف دومی که جبهه معارض در میدان نبرد سیاسی دنبال می‌کند، «تغییر اصول بنیادین انقلاب اسلامی» است، که می‌توان آن را براندازی نوع دوم دانست. مبارزه با اندیشه متعالی و انقلابی ولایت فقیه که مهم‌ترین شعار و

<sup>۱</sup> ر. ک. به سند جنگ نرم: توصیف جبهه معارض در جنگ نرم؛ درآمدی بر شناخت دشمن. معاونت فرهنگی و

تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح. ۱۳۹۵ ص ۱۲۵

<sup>۲</sup> ر. ک. به همان سند. ص ۱۰۶

<sup>۳</sup> ر. ک. به همان سند. ص ۱۰۱

دستاورد انقلاب اسلامی است، مبارزه با نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی در راستای دستیابی به همین هدف در جبهه سیاسی دنبال می‌شود. در بند نخست برنامه‌های پیشنهادی مرکز سابان «ترغیب ایران به همراهی با غرب» و در بند سوم «منصرف کردن ایران از اهداف و راهی که انتخاب کرده» درج شده است.<sup>۱</sup>

سومین هدفی هم که دشمن در صورت ناکامی در اهداف اول و دوم دنبال می‌کند، «تضعیف جایگاه جمهوری اسلامی ایران» نزد ملت‌های جهان سوم و کشورهای در حال توسعه است که می‌توان آن را براندازی نوع سوم دانست. اگر شعارها و دکترین نفی استکبار که از جانب جمهوری اسلامی ایران طرح شده است، در بین کشورهای جهان سوم و یا حتی کشورهای در حال توسعه جایگاه خود را بیابد، کار برای جبهه استکبار بسیار دشوار خواهد شد. بند دوم از برنامه‌های پیشنهادی مرکز سابان به «تهدیدنمایی ایران در منطقه به‌عنوان بازیگر غیرقابل پیش‌بینی» اشاره می‌کند.<sup>۲</sup> از این‌رو جبهه معارض این سه هدف را از میدان نبرد سیاسی دنبال می‌کند:

۱. تغییر حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه (براندازی نوع یک)؛

۲. تغییر اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران (براندازی نوع دو)؛

۳. انزوای جمهوری اسلامی ایران در منطقه و کشورهای جهان (براندازی نوع سه)؛

باقری (۱۳۹۰) سناریوهای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران را به سه دسته تقسیم می‌کند: الف) تغییر سیاسی رژیم؛ ب) تغییر رفتار؛ ج) مهار و جلوگیری از نفوذ قدرت ایران در شرایط محیطی جدید (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴)، او همچنین منزوی‌سازی سیاسی را جزو اهداف واسطه‌ای سناریوهای آمریکا در میدان جنگ سیاسی با ایران معرفی می‌کند (همان: ۱۶)، این گفته در واقع تحلیل تهدیدهای میدان جنگ سیاسی را تأیید می‌کند. حسن‌بیگی نیز موارد زیر را جزو اهداف آمریکا در مقابله نرم با جمهوری اسلامی ایران می‌داند: ۱) مقابله با ایدئولوژی اسلامی؛ ۲) کنترل رفتارهای سیاسی الهام‌بخش در خاور میانه؛ ۳) رویارویی و منزوی‌سازی نظام جمهوری اسلامی

<sup>۱</sup> ر. ک. به سند جنگ نرم: توصیف جبهه معارض در جنگ نرم؛ درآمدی بر شناخت دشمن. معاونت فرهنگی و

تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح. ۱۳۹۵ ص ۱۰۵

<sup>۲</sup> ر. ک. به همان سند. ص ۱۰۵

ایران (حسن‌بیگی، ۱۳۸۶: ۲۳)، جبهه معارض برای دستیابی به این اهداف از راهبردهای گسترده و متنوعی بهره می‌گیرد. راهبردهایی مانند راهبرد هویج و چماق. مبتنی بر این دکترین، کشور هدف، همچون اسب «وحشی» است که باید «رام» شود. به هنگام گرسنگی اسب وحشی در بند، او را تطمیع نموده و به او «هویج» می‌دهند؛ اما هر بار که آن اسب، بخشی از هویج را می‌خورد، یک ضربه شلاق یا چماق بر سر او فرود می‌آید. تکرار روند تطمیع با هویج و تهدید با چماق تا زمان «رام» شدن اسب یعنی: تا زمانی که «زین» را بر پشت خود بپذیرد و «سواری» بدهد ادامه دارد. این راهبرد بعد از اینکه جرج بوش رییس‌جمهور آمریکا ایران را محور شرارت نامید از سوی آمریکا اتخاذ شد. مبتنی بر این راهبرد ایران اسب وحشی، آمریکا و اسرائیل چماق در دست و انگلیس و فرانسه و آلمان هویج را به دست می‌گیرند.

راهبرد پلیس خوب، پلیس بد. این راهبرد در مورد پرونده هسته‌ای ایران به کار برده شد. مبتنی بر این راهبرد کلاتر جهانی دارای دو پلیس خوب و بد می‌باشد. پلیس خوب آلمان، انگلیس و فرانسه می‌باشند و خواسته‌های آنان تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای و اینکه ایران باید به خواسته‌های پلیس خوب تن در دهد و گرنه با پلیس بد که آمریکا و انگلیس می‌باشند مواجه خواهد

راهبرد مکانیزم ماشه؛ این راهبرد پس از شکست راهبرد پلیس خوب، توسط پلیس بد اتخاذ شد. مطابق این راهبرد چهار کشور معارض یعنی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان، خط قرمزی را تعیین نموده و مبتنی بر آن «مکانیزم ماشه» را تعریف کردند: اگر به خواسته‌های ما تن ندهید، به‌طور اتوماتیک «ماشه» اسلحه ضابطین قانون جهانی چکانده شده و پرونده شما به شورای امنیت می‌رود.

راهبرد چیکن؛ این راهبرد بلافاصله بعد از روی کار آمدن دولت نهم طراحی شد. در این راهبرد که از گسترده‌ترین دکترین‌ها اتخاذ شده بود، تلاش شد به طرف ایرانی تفهیم شود که رییس‌جمهور آمریکا به هیچ وجه از خواسته‌های خود کوتاه نمی‌آید. با توجه به اینکه تا پیش از این راهبرد، همه راهبردهای غرب یک نوع نگاه از بالا داشت در این راهبرد آمریکا خود را با حریف در «توازن راهبردها- نه توازن راهبردی» می‌دید، زیرا «چیکن استراتژی» دکترینی از موضع «هم طرازی» است که در آن هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند نگاه از بالا داشته باشد. رفتارهای ناهنجار سیاسی رئیس‌جمهور ترامپ نیز دقیقاً برای اجرای همین راهبرد است.



نکته بسیار مهم در میدان نبرد سیاسی این است که گاهی دشمن در میدان نبرد سیاسی به دنبال اهداف غیرسیاسی است. جبهه معارض با جنگ سیاسی توانست به اهدافی در جبهه اقتصادی و اجتماعی علیه ایران دست یابد. تحمیل توافق برجام که با جنگ سیاسی انجام شد، ایران را در روند دست‌یابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای که می‌توانست دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی راهبردی داشته باشد، با چالش روبه‌رو کرد. اما تضعیف مؤلفه‌های قدرت اقتصادی یا اجتماعی جزو اهداف محوری این میدان از جنگ نیست. در نمونه آشکار دیگری دشمن با شدت تمام تلاش می‌کند تا از طریق برجام موشکی و کشاندن نخبگان سیاسی ایران به پای میز مذاکره سیاسی در باره توان موشکی، همان اهداف اقتصادی و اجتماعی را که توانست در این میدان به دست آورد در حوزه توان نظامی تکرار کند. به عبارتی جبهه معارض در تلاش است تا از طریق میدان نبرد سیاسی، بتواند توان موشکی ایران را تضعیف کند. این هدف نیز هرچند بسیار خطرناک است و مستقیماً با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است، اما هدف میدان نبرد سیاسی نیست، بلکه راهکاری سیاسی است برای اهداف میدان نبرد نظامی،

### اهداف تهدید در میدان جنگ اجتماعی

سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران یکی از غنی‌ترین و قوی‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی‌اش محسوب می‌شود. هدف جبهه معارض در برابر این مؤلفه قدرت ملی همواره «اضمحلال مشارکت ملی» بوده است. این میدان نیز یکی از میدان‌های عمده جبهه معارض در راهبرد براندازی نرم است. هاله اسفندیاری از جمله عوامل پروژه براندازی نرم در ایران هدف درازمدت بنیاد سوروس این است که بین حاکمیت و ملت شکاف ایجاد شود.<sup>۱</sup> «آنفلوآنزای نیویورکی» خطرناک‌ترین راهبرد این میدان است که توسط نیکولاس بنس در سال ۲۰۰۷ در کنگره آمریکا مطرح شد. پس از آن نیز در فیلم‌هایی مانند ۳۰۰ دنبال شد. دامنه شمول این راهبرد بسیار زیاد است و همه مردم ایران را شامل می‌شود. این طرح یک فرآیند نفرت‌سازی در جامعه ایران را دنبال می‌کند که معطوف به

<sup>۱</sup> ر. ک. به سند جنگ نرم: توصیف جبهه معارض در جنگ نرم؛ درآمدی بر شناخت دشمن. معاونت فرهنگی و

تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح. ۱۳۹۵ ص ۱۱۹

شهروندان ایرانی است. طبق این راهبرد برای نیل به مقصود باید ایجاد بدبینی در تمامی شئون یک کشور انجام شود. این راهبرد که اساس آن بر تفرقه‌افکنی استوار است اهدافی را دنبال می‌کند که به شرح زیر است:

الف) نفرت مردم از مردم: یعنی مردم نسبت به هم احساس نفرت کنند و از در کنار هم بودن منزجر شوند؛

ب) نفرت مردم از مسئولان: یعنی مردم از مسئولان به شدت ناراضی و امید به کارآمد بودن آن‌ها را با خود به گور ببرند؛

ج) نفرت مردم از اسلام؛

د) نفرت مردم از حکومت؛

و) نفرت مردم از ایرانی بودن خود (به‌طورمثال با ساخت فیلم ۳۰۰).

راهبرد هویج سمی، راهبرد دیگری بود که با بازگشایی دفتر دیپلماتیک در ایران به آمریکا فرصت می‌داد تا بتواند به‌طور مستقیم بدین‌وسیله با مردم ایران ارتباط برقرار کند.

در واقع جامعه غرب می‌خواست با تغییر مسئولان ارشد نظام (با توجه وجود ظرفیت انتخابات ۸۸) دیدگاه‌های خود را در سیاست خارجی از جمله موضوع هسته‌ای پیاده کند. تلاش‌هایی که برای ایجاد دفتر حافظ منافع آمریکا در تهران در سال ۸۷ انجام شد، ارتباط‌های سفارت‌خانه‌های اروپایی در تهران با برخی جناح‌های سیاسی در جریان انتخابات در همین راستا بوده است.

در اواخر آبان ۱۳۸۷ ه‌ا آرتص نوشت: ویلیام برنز معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا گفت: ما در بحث بازگشایی دفتر حافظ منافع، راهبرد «هویج سمی» را دنبال می‌کنیم. هویج سمی به آمریکا این امکان را می‌دهد تا با مردم ایران ارتباط مستقیم برقرار کند.

آژاکس ۲ راهبرد دیگری است که جبهه معارض در میدان نبرد اجتماعی اجرا کرد. آژاکس ۲ به نوعی بازسازی پرونده کودتای ۲۸ مرداد بود و پس از التهاب انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ کلید خورد که هدف آن ایجاد دوگانگی، محاسبات غلط، ایجاد اغتشاش و سردرگمی‌ها برای افزایش اعتراضات و ایجاد درگیری‌های بیشتر میان اقلشار جامعه ایران بود. این راهبرد هرچند در

بستر میدان نبرد اجتماعی خوب اجرا شد، اما هدف بعدی آن ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در کشور و در نهایت براندازی نرم بود.

### اهداف تهدید در میدان جنگ روانی

جیمز ولسی رئیس سابق سازمان سیا در میزگردی تأکید می‌کند: ما نباید با استفاده از اقدام‌های نظامی وارد ایران شده و با این کار موجب وحدت میان ایرانیان شویم، بلکه بایستی با بکارگیری رسانه و ایجاد مسئله‌های فراوان شبهه و تردید، وحدت ذهنی و عینی جامعه ایران را بشکنیم (کمپته مطالعات جنگ نرم، ۱۳۹۵: ۱۱۷). اشاره شد که هدف از میدان جنگ نرم ایجاد تغییر در اندیشه حریف است. میدان نبرد روانی، نخستین میدان جنگ نرم و از میدان‌های پیچیده و چند منظوره‌ای است که جبهه معارض با برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ای وارد آن شده است. این میدان - بر اساس الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ - روی محور توسعه با تمرکز آمیخته (نخبگان و توده‌ها) قرار دارد. هدف محوری جبهه معارض در این میدان «ایجاد تردید در نخبگان و مسئولان» است تا مانع گرفتن تصمیمات درست و انقلابی شوند. رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: «این نفوذ برای دو منظور است؛ یک از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوم مردمنند... نفوذ برای این است که محاسبات در ذهن مسئولان عوض بشود... آماج دوم مردمنند. باورهای مردم باید عوض شود، باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی<sup>۱</sup>، ...» نکته مهم و قابل توجه این است که جنگ روانی با عملیات روانی دو مقوله مرتبط، اما مجزا هستند. عملیات روانی سابقه بسیار دیرینه دارد و در همه میدان‌های نبرد، حتی میدان نبرد نظامی و سخت نیز کاربرد داشته است. اما جنگ روانی در میدانی مستقل، نوعی جنگ نرم است که با تمرکز آمیخته بر نخبگان و توده‌ها انجام می‌شود که هدف ذاتی آن برهم زدن روان حریف و ناتوان کردن دستگاه محاسبات اوست. هدف دیگر دشمن از انجام جنگ روانی، «ایجاد تزلزل در اراده توده‌ها» و جامعه است.

## اهداف تهدید در میدان جنگ اعتقادی

رابرت مرداک در نشست جامعه یهودیان در لندن می‌گوید: تغییر سلیقه، رفتار و عقاید، مؤثرترین راه برای تأثیرگذاری بر جامعه ایران و ترغیب آنها به مقابله با حکومت اسلامی است.<sup>۱</sup> میدان نبرد اندیشه میدانی است که روی محور تمرکز بر نخبگان و با هدف تغییر اندیشه حریف انجام می‌شود. بنابراین محوری‌ترین هدفی که جبهه معارض در این میدان دنبال می‌کند، «تغییر دستگاه محاسباتی نخبگان» است. جامعه اصلی هدف در این میدان، اندیشمندان، نخبگان، روحانیون، استادان حوزه و دانشگاه و تمام کسانی است که به نوعی خوراک فکری جامعه را تأمین می‌کنند. ادوارد شرلی یکی از مقامات سابق سیا و تحلیلگر مسائل راهبردی می‌گوید: کلید اصلی برای ایجاد یک تغییر بنیادین در سیاست‌های ایران، از بین بردن خصوصیات انقلابی و منابع قدرت در رژیم ایران است و این فقط با تحریم اقتصادی به دست نمی‌آید، بلکه باید با نفوذ در نهادهای انقلابی، روحانیون، نیروهای مسلح، پاسداران و ... عقاید انقلابی آنها از درون تهی شود.<sup>۲</sup> هدف دوم جبهه معارض در این میدان تغییر باورهای انقلابی ملت ایران است که از گذر تغییر دستگاه محاسبات نخبگان و تغییر طرز فکرشان است.

ایران در این جبهه تلفات زیادی داده است. از انحراف قائم مقام رهبری تا انحراف عالی‌ترین مقامات اجرایی و سیاسیون و حتی انقلابیون نسل اول جزء تلفات این میدان خطرناک هستند. غفلت راهبردی در این میدان باعث شده است که نسل سوم انقلاب، به جای الگو شدن برای جوامعی که در حال بیدار شدن و مبارزه با جهان سلطه هستند، به سنگ‌های مقبره کوروش سجده کنند. این غفلت در ایران تاریخی است. شاید تلخ‌ترین شواهد آن شادی فرزند شیخ فضل‌ا... نوری پای چوبه اعدام پدر مبارزش باشد. تراژدی تلخی که بارها به انواع دیگری در تاریخ ایران تکرار شده و می‌شود.

<sup>۱</sup> ر. ک. به سند جنگ نرم: توصیف جبهه معارض در جنگ نرم؛ درآمدی بر شناخت دشمن. معاونت فرهنگی و

تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح. ۱۳۹۵ ص ۱۱۸

<sup>۲</sup> ر. ک. به همان سند. ص ۱۲۰

## اهداف تهدید در میدان جنگ فرهنگی

فرهنگ یا فرنج در گویش‌های محلی به بروز رفتاری که ریشه در اعماق دارد گفته می‌شود. برهان در تعریف فرهنگ به موارد زیر اشاره می‌کند:

- فرهنگ شاخ درختی را نیز گویند که در زمین خوابانیده سپس از جای دیگر سر برآورد و آن شاخه را در جای دیگر نهال کنند؛
- کاریز آب را نیز گفته‌اند؛
- جایی را می‌گویند که از کاریز، آب به روی زمین آید؛

منطبق با تعبیر ظریف، ما هم همین نام را روی میدان هفتم جنگ گذاشتیم با تمرکز بر مدیریت رفتارها، رفتارها که مؤلفه بیرونی فرهنگ هستند، به نوعی تبلور عقبه‌ای عمیق به نام اندیشه‌اند. این دو مؤلفه از هم تأثیر پذیرند. تکرار یک رفتار منجر به نهادینه شدن رفتار در افکار فرد یا جامعه می‌شود و از طرف دیگر رواج یک اندیشه خودبه‌خود بروز رفتارهایی را به دنبال دارد. به نظر می‌رسد جبهه معارض این معنا را بسیار عمیق‌تر از متولیان فرهنگی کشور درک کرده است. جبهه معارض با دریافت این معنا، راهبردهای گسترده‌ای را طراحی کرده است تا بتواند با «ایجاد تغییر در رفتار اسلامی - ایرانی ملت ایران» در این جبهه، هویت ملی را از جامعه ایرانی سلب کند.

«قورباغه آب‌پز» هرچند راهبردی است که در میدان نبرد سیاسی طراحی شد، اما در میدان نبرد فرهنگی به خوبی اجرا شد. تغییر تدریجی در رفتار جامعه ایرانی در همه نمادها از جمله پوشش و سبک زندگی بسیار بهتر پاسخ می‌داد تا تغییر ناگهانی. تعبیر رساتر این راهبرد همان تعبیری است که نزدیک به سه دهه قبل رهبر فرزانه انقلاب از آن با نام شبیخون فرهنگی یاد کردند.

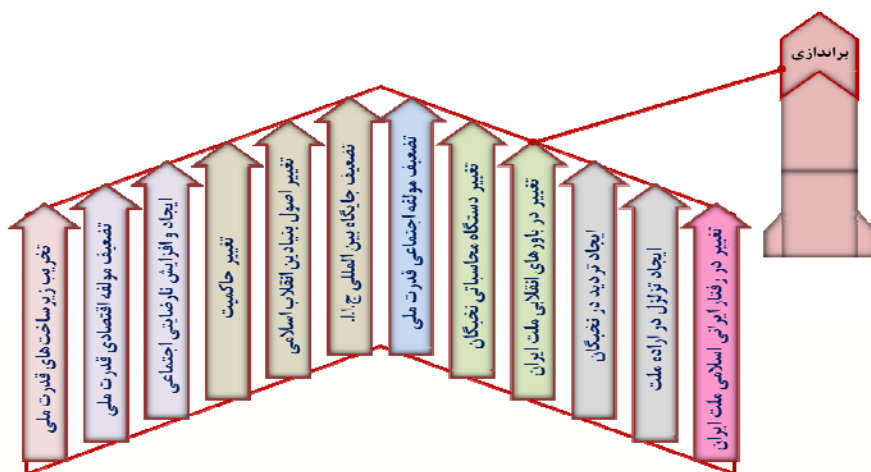
«مده‌آ» راهبرد خطرناک دیگری است که کاربردی چندگانه در میدان‌های نبرد جبهه معارض دارد. هدف اصلی راهبرد مده‌آ ناکارآمد کردن مسئولان از طریق خانواده و فرزندانشان است. پروژه مده‌آ چند محور اصلی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به ایجاد شیفتگی در طرف مقابل برای جذب و جلای وطن (شامل خروج از کشور، خروج از حاکمیت) اشاره کرد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> فرهنگ لغت چندرسانه‌ای واژه. قابل دسترسی در [www.vajje.com](http://www.vajje.com)

<sup>۲</sup> اندیشکده یقین، قابل دسترسی در [www.andishkadeh.ir](http://www.andishkadeh.ir)

## آرایه تهدیدهای همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران

با تشریح تهدیدها در میدان‌های هفت‌گانه نبرد جبهه معارض ضدجمهوری اسلامی ایران، می‌توان آرایه تهدیدها را مانند شکل ۷ جمع‌بندی کرد. این تهدیدها در واقع اجزا و بمب‌لت‌های یک تهدید یکپارچه و یک بمب بزرگ‌تر به نام تهدید همه‌جانبه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و برای همین هدف و همین اثر در جبهه‌های گوناگون اما با نگاهی یکپارچه توسط راه‌پردازان جبهه معارض معماری شده‌اند.



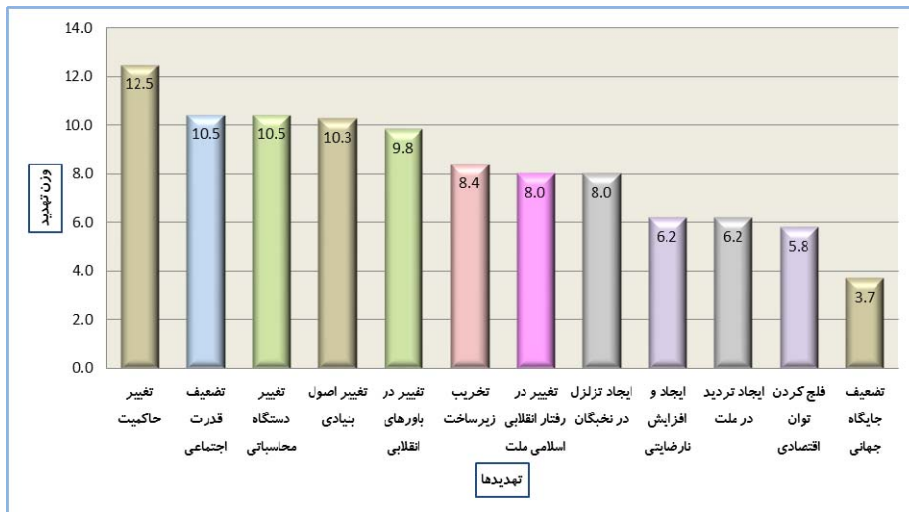
شکل شماره ۷: آرایه تهدیدهای همه‌جانبه جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران

## تحلیل اثربخشی میدان‌های هفت‌گانه جنگ

جدای از تحلیل میزان کارآمدی میدان‌های جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران، میزان اهمیت و در واقع اولویت تهدیدهایی که در این میدان‌ها دنبال می‌شود نیز اهمیت دارد. ارزیابی تهدیدها در حال حاضر تبدیل به یک مقوله علمی شده است که با روش‌هایی مانند بازی جنگ قابل محاسبه دقیق است. اما در این پژوهش به‌منظور دستیابی به یک برآورد اولیه از اهمیت تهدیدها، از روش مقایسه زوجی و استفاده از نظر خبرگان در گروه کانونی استفاده شده است که نتیجه تحلیل در شکل ۸ نشان داده شده است.

مطابق با این تحلیل، مهم‌ترین تهدید که می‌توان از آن به خطرناک‌ترین تهدید هم تعبیر کرد، تهدید «تغییر حاکمیت از طریق میدان جنگ سیاسی» است. معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «آحاد مردم یکی‌یکی‌شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی (که) یک واجب عینی (و) اهم واجبات دنیا (و) از نماز اهمیتش بیشتر است<sup>۱</sup>». بنا به این فرمایش، تهدیدهایی که اصل نظام را هدف قرار دهند نیز در رأس کل تهدیدها قرار خواهند داشت.

حضور مردم همیشه در صحنه ایران، همواره مهم‌ترین مؤلفه قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. تضعیف این مؤلفه از قدرت تهدید بزرگی است که پس از تهدید تغییر حاکمیت در رتبه دوم قرار گرفته است. رهبر فرزانه انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «هر نظام و کشوری که مردمش بیدار باشند، باایمان باشند، در صحنه باشند، آماده باشند و بخواهند از حقشان دفاع کنند، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر آنها و کشورشان تسلط پیدا کند... نقش مردم بسیار مهم است<sup>۲</sup>».



شکل شماره ۸: اولویت‌بندی تهدیدهای جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ

<sup>۱</sup> صحیفه نور، جلد ۱۹، صفحه ۲۷۴

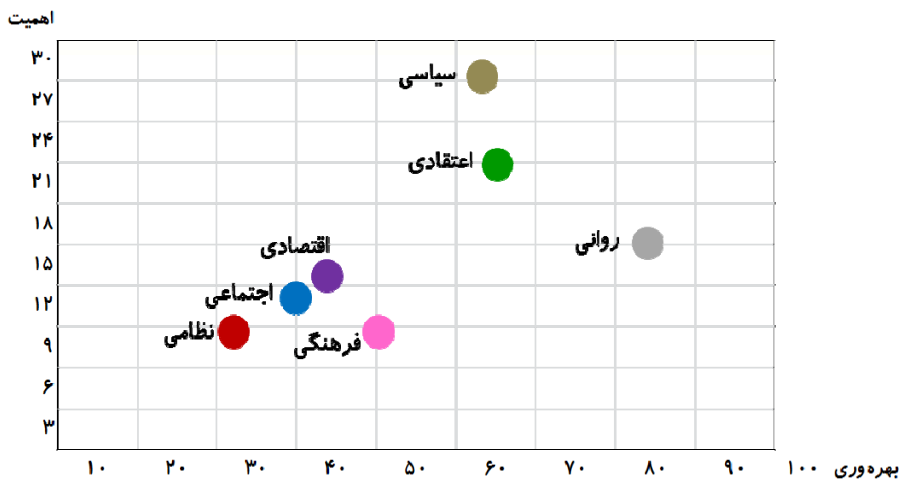
<sup>۲</sup> سخنرانی در حرم مطهر امام راحل (ره) ۸۱/۳/۱۴

رهبر انقلاب در تشبیه خطرات جنگ سیاسی به خطرات میدان جنگ نظامی می‌فرماید: «اگر کسی این شناسایی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم بکند، یک وقت می‌بینید که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش می‌کند به طرفی که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است»<sup>۱</sup>. تهدید تغییر دستگاه محاسباتی نخبگان در کنار تهدید تضعیف قدرت اجتماعی در رتبه دوم تهدیدهای جبهه معارض علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

در کران پایین تهدیدها تضعیف جایگاه جهانی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. علی‌رغم تلاش جبهه معارض در طول چهار دهه برای انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جهان شاهد تکثیر تفکرات انقلابی مبتنی بر نفی ابرقدرت‌ها در سراسر جهان به‌ویژه منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بوده و هست. استفاده درست از فرصت‌هایی مانند رشد شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی می‌تواند در کاهش اثرات این تهدید، خنثی‌سازی اثرات و یا حتی تبدیل آن به فرصت‌های صدور اندیشه‌های انقلابی بسیار کارآمد باشد. در همین کران پایین تهدید فلج کردن توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مرتبه بعدی قرار دارد. هرچند میدان جنگ اقتصادی علیه ایران میدان جنگ شعله‌وری است، اما برخی ویژگی‌های سرزمینی و اجتماعی و اعتقادی در جمهوری اسلامی وجود دارد که در صورت مدیریت صحیح آنها شعله‌های جنگ اقتصادی کم‌اثر و یا حتی بی‌اثر شده و خواهد شد. از سوی دیگر وجود منابع عظیم زیرزمینی و ظرفیت‌های توسعه پایدار مبتنی بر داشته‌های سرزمینی، سلاحی کارآمد برای بی‌اثر کردن تحریم و تهدید تضعیف توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. رویکردی قوی و هوشمند مانند اقتصاد مقاومتی ابلاغی از جانب رهبر فرزانه انقلاب رویکردی کارآمد و آزموده شده است که در صورت وجود تدبیر اجرایی برای استقرار آن نه تنها به‌عنوان پادزهر تحریم در دوران جنگ اقتصادی عمل می‌کند، بلکه می‌تواند دستمایه توسعه پایدار اقتصادی ایران برای کل زمان‌ها باشد. از این‌رو ارزیابی الگوی اژدهای هفت‌سر از نمره پایین تهدید فلج کردن توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کاملاً درستی است.

<sup>۱</sup> دیدار با اعضای دفتر رهبری ۸۵/۵/۵





شکل شماره ۹: بهره‌وری و اهمیت میدان‌های جنگ همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران در یک نگاه

### نتیجه‌گیری

تحلیل بهره و هزینه این میدان‌ها بر مبنای نظر خبرگان گروه کانونی نشان می‌دهد کارآمدترین میدان جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران، جبهه جنگ روانی با کارایی ۸۱٪ بوده است. پس از این میدان، میدان‌های جنگ اعتقادی (۶۱٪)، میدان جنگ سیاسی (۵۹٪)، میدان جنگ فرهنگی (۴۶٪)، میدان جنگ اقتصادی (۳۹٪)، میدان جنگ اجتماعی (۳۶٪)، و میدان جنگ نظامی (۲۷٪) در رتبه‌های دوم تا هفتم کارایی هستند.

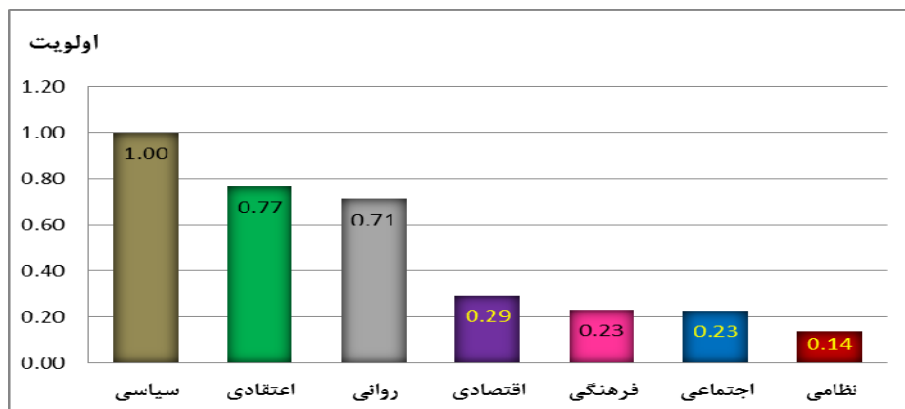
در هر میدان جنگ، دشمن به دنبال اهدافی است که ژن تهدیدهای هر میدان از همین اهداف گرفته می‌شود. بنابراین با شناسایی اهداف جبهه معارض در هر میدان، تهدیدهای دوازده‌گانه جبهه معارض علیه نظام جمهوری اسلامی ایران شناسایی شد. اولویت‌بندی این تهدیدها با روش مقایسه زوجی<sup>۱</sup> مبتنی بر نظر خبرگان گروه کانونی نشان می‌دهد مهم‌ترین تهدید ضدنظام جمهوری اسلامی ایران تهدید تغییر حاکمیت با وزن ۱۲/۵٪ از طریق میدان جنگ سیاسی است. پس از آن دو تهدید تضعیف قدرت اجتماعی از میدان جنگ اجتماعی و تهدید تغییر دستگاه محاسباتی نخبگان و سیاسیون از میدان جنگ

تحلیل یکپارچه میدان‌های جنگ همه‌جانبه علیه...

اعتقادی با ۱۰/۵٪ به صورت مشترک در اولویت دوم قرار گرفته‌اند و پس از آنها تهدید تغییر اصول بنیادی انقلاب در میدان جنگ سیاسی (۱۰/۳٪)، تهدید تغییر در باورهای انقلابی ملت در میدان جنگ اعتقادی (۹/۸٪)، تهدید تخریب زیرساخت‌های جمهوری اسلامی ایران (۸/۴٪)، تهدید تغییر در رفتار انقلابی اسلامی ملت در میدان جنگ فرهنگی و تهدید ایجاد تزلزل در نخبگان از میدان جنگ روانی به صورت مشترک با ۸٪، ایجاد و افزایش نارضایتی در جامعه از طریق میدان جنگ اقتصادی و همچنین تهدید ایجاد تردید در آحاد ملت هر دو با وزن ۶/۲٪، تهدید فلج کردن توان اقتصادی در میدان جنگ اقتصادی (۵/۸)، و نهایتاً تهدید تضعیف جایگاه جمهوری اسلام ایران در نزد کشورهای جهان با وزن ۳/۷٪ در رتبه‌های سوم تا نهم قرار می‌گیرند.

توجه به وزن تهدیدهای هر میدان نشان می‌دهد مهم‌ترین و به تعبیری خطرناک‌ترین میدان جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران، میدان جنگ سیاسی با مجموع وزن ۲۷٪ و پس از آن میدان جنگ اعتقادی با مجموع وزن ۲۰٪ است (شکل ۹).

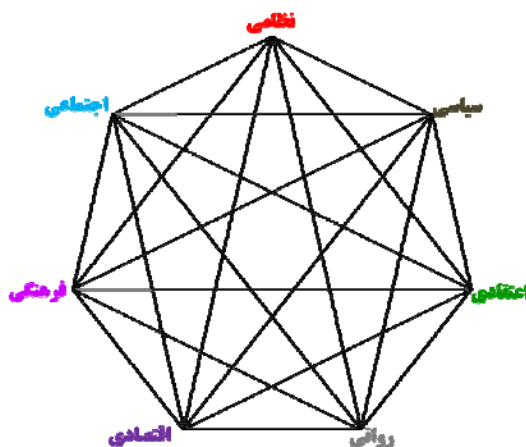
اما در یک نگاه ترکیبی میدان جنگ با اولویت بالا میدانی است که هم خطرات بالایی داشته باشد، و هم بهره‌وری بالایی که منجر به توجه مضاعف جبهه معارض به آن میدان می‌شود. این میدان از یک تکنیک ساده ریاضی با تقاطع دو شاخص بهره‌وری و اهمیت میدانی استخراج می‌شود. در واقع اولویت با این دو شاخص همان سطح زیر منحنی این میدان‌ها در شکل ۹ هستند که محاسبه شده و نمودار آن پس از تعامد در شکل ۱۰ نشان داده شده است.



شکل شماره ۱۰: مهم‌ترین میدان‌های جنگ کارآمد علیه جمهوری اسلامی ایران

## پیشنهاد

در ادامه این پژوهش با استفاده از الگوی نشان داده شده در شکل ۶ فرآیندها و سازه‌های تهدیدهای دوازده‌گانه استخراج شده است. سازه‌های تهدید پس از ترکیب و یکپارچه‌سازی، بر حسب میزان تأثیرگذاری در اقدام تهدید ترازبندی شده‌اند. این ترازبندی معیار مناسبی خواهد بود برای معماری رزم‌افزارهای دفاع همه‌جانبه در برابر تهدید همه‌جانبه، با این حال پیشنهاد محوری حاصل از این پژوهش این است که خاکریزهای دفاعی در برابر جنگ همه‌جانبه جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران، با رویکردی یکپارچه به نام دفاع همه‌جانبه که در بیانات فرمانده معظم کل قوا به کرات به آن اشاره شده است، با در نظر گرفتن سهم میدان‌های مبارزه و اندازه تهدیدهای فعال در هر میدان معماری شود. همچنین لازم است با توجه به ماهیت ترکیبی جنگ‌های نوین و همه‌جانبه بودن تهدیدها، میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میدان‌ها از یکدیگر نیز مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد که به صورت نمادین در شکل ۱۱ نشان داده شده است، می‌تواند در افزایش دقت نمودار شکل ۱۰ مؤثر باشد. افزایش دقت در تشخیص میدان‌های محوری جنگ همه‌جانبه تأثیر مستقیم و حیاتی در معماری اثربخش خاکریزهای دفاعی دارد.



شکل شماره ۱۱: درهم‌تنیدگی نمادین میدان‌های جنگ

## منابع و مأخذ

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، *کالبد شکافی تهدید، دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، چاپ اول.
۲. بختیاری، حسین و علی صالح‌نیا (۱۳۹۷)، *اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)*، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان ۹۷.
۳. بصیری، محمدعلی (۱۳۹۱)، *جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران*، نشریه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۹۱.
۴. حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۸۶)، *رویکرد مقابله با تهدید نرم علیه منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران*، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۸، اسفند ۸۶.
۵. خسروی، عباس (۱۳۹۵)، *الگوی دوبعدی استخراج راه‌کارهای دفاع همه‌جانبه*، همایش سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر، اسفند ۹۵.
۶. خسروی، عباس (۱۳۹۷)، *اژدهای هفت‌سر جنگ؛ الگوی تحلیل توسعه جنگ همه‌جانبه*، همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی).
۷. خسروی، عباس (۱۳۹۷)، *ارزیابی تهدیدهای همه‌جانبه مستخرج از الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ*، همایش واکاوی تهدیدهای نوپدید، دافوس آجا، آبان ۹۷.
۸. دهشیری، محمدرضا و مجتبی غفوری (۱۳۹۴)، *الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا*، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۹۴.
۹. رستمی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، *ماهیت، سناریوها و ویژگی‌های جنگ آینده علیه جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه دفاعی راهبردی اندیشه نوین، سال اول، شماره اول، زمستان ۹۵.
۱۰. سیف، اله‌مراد و دیگران (۱۳۹۲)، *مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد*، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۹۲.

۱۱. طاهری، علی (۱۳۹۵)، *مختصات الگوی تهدیدات صحنه نبردهای آینده در سال ۱۴۰۴ با استفاده از نظریه داده بنیاد*، آینده پژوهی دفاعی، سال اول، شماره ۱، تابستان ۹۵.
۱۲. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: انتشارات ویس.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی عمید*. مؤسسه انتشارات امیرکبیر. چاپ دوم.
۱۴. عیوضی، محمدرحیم و دیگران (۱۳۹۱)، *جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی ایران با نگاهی به بیداری اسلامی منطقه*، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال اول، شماره ۴، پاییز ۹۱.
۱۵. قنبری خانقاه، علی و همکاران (۱۳۹۱)، *فرهنگ جامع واژه‌ها و اصطلاحات نظامی*، دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح.
۱۶. کرفلد، مارتین فان (۱۳۸۶)، *بازاندیشی مفهوم جنگ*، ترجمه عبدالله حیدری، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی،
۱۷. ملکی، سعید و داود حاتمی (۱۳۹۲)، *جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن با الهام از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری*، سال هشتم، شماره ۷۶، تابستان ۹۲.
۱۸. مؤذن جامی، محمدهادی (۱۳۸۹)، *آیین و قواعد رزم سن نزو*، مؤسسه نشر شهر، چاپ اول،
۱۹. مونچف، جان اتان سی (۲۰۰۶)، *اصول ملی جنگ*، ترجمه قاسم فولادی و دیگران، (۱۳۸۷)، انتشارات مؤسسه تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲۰. نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، *فرهنگ دفاعی - امنیتی*، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت.

